

به یاد استاد دکتر احمد مستوفی، بنیانگذار ژئومرفولوژی در ایران

دکتر فرج ا... محمودی - استاد جغرافیا، دانشگاه تهران

در آبان ماه سال ۱۳۳۷ هجری شمسی، با یک ماه تأخیر، به عنوان دانشجوی رشته تاریخ و جغرافیای دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران عملاً موفق به شرکت در کلاسهای درس این رشته شدم و پس از مدت کوتاهی، مکان اداری و آموزشی گروه تاریخ و جغرافیا به محل کنونی آن در دانشگاه تهران انتقال یافت و کلاسهای درس در طبقه دوم و سوم دانشکده تشکیل شد.

در سال تحصیلی ۴۰ - ۱۳۳۹، رشته تاریخ و جغرافیا از هم منفک شد و هر کدام به صورت رشته‌ای مستقل در آمد و دانشجویان بسته به علاقه خود، در یکی از این دو رشته ادامه تحصیل دادند. اینجانب کماکان با تعداد معدودی از دانشجویان، همان رشته تاریخ و جغرافیا را ادامه داده و در خرداد ماه ۱۳۴۰ به عنوان شاگرد اول رشته تاریخ و جغرافیا فارغ التحصیل شدم.

طی مدت ۳ سال، علاوه بر آشنایی با اساتید رشته‌های تاریخ و جغرافیا که هر یک از خصوصیات اخلاقی و علمی ویژه خود برخوردار بودند، به تعدادی از اساتید، شاید به دلیل ویژگیهای خاص آنان که گاهی حتی کاملاً متضاد و متفاوت با هم بود، علاقه‌مند شده بودم. در اینجا لازم است بدون ذکر نام، احترامات و علائق قلبی خود را نسبت به همه آنان ابراز نموده و باگذشت زمان و درک شرایط بعدی، به عنوان همکار این اساتید محترم، نسبت به همگی آنان قدردانی بعمل آورده و سپاسگذاری خود را اعلام نمایم. همانطور که ذکر شد، تعدادی از اساتید توجه بیشتر اینجانب را بنا به دلایل اخلاقی یا علمی جلب نموده و در رفتار آنان کنجکاوی بیشتری می‌نمودم. از این اساتید در رشته

تاریخ می‌توانم از مرحوم دکتر بیانی و مرحوم شمیم و در رشته جغرافیا از مرحوم دکتر احمد مستوفی و آقای دکتر محمد حسن گنجی نام ببرم.

موضوع این نوشته، جلب توجه دانشجویان و اساتید جغرافیا و سایر خوانندگان درباره گذشته دانشگاهی مرحوم دکتر احمد مستوفی، استاد جغرافیای طبیعی است که متأسفانه به دلیل کم توجهی اساتید جغرافیا در درجه اول و مسئولین دانشگاهی در مراتب بعد، در گمنامی و ابهام قرار دارد و به نظر اینجانب با توجه به سهم بسیار مهم و نقش ارزنده وی که در اعتلای جغرافیای ایران داشته، مورد بی لطفی و کم توجهی قرار گرفته است. هر چند در جلسات تخصصی این رشته به مناسبت‌هایی یاد و خاطره ایشان گرامی داشته شده؛ اما مطابق با آنچه که شایسته شخصیت علمی و مدیریتی مشارالیه بوده، تقدیر بعمل نیامده است. در حال حاضر با توجه به قدرشناسی تعدادی از دوستان و شاگردان آن مرحوم، یادنامه‌ای ولو مختصر تهیه و منتشر می‌شود. اینجانب به عنوان یکی از دانشجویان قدیمی و همکار بعدی ایشان، این مطالب ساده و جزئی را به پاس قدرشناسی و ادای دین نسبت به آن بزرگوار به حضور جغرافیدانان و به ویژه دوستان و شاگردان آن مرحوم تقدیم می‌دارم؛ باشد که ذکر این خاطره‌ها چهره‌های علمی و صادق این مرز و بوم را در یادها زنده نگاه دارد.

البته یادآوری این مطالب درباره مرحوم دکتر احمد مستوفی نباید به عنوان چشم‌پوشی از تلاشها و خدمات ارزنده سایر جغرافیدانان ایران باشد که بهر دلیل و کم و بیش مورد عنایت قرار گرفته و از آنان غالباً در حد مقام و مرتبت شان قدردانی بعمل آمده است.

در سال ۱۳۴۶ به عنوان همکار دانشگاهی مرحوم دکتر احمد مستوفی در گروه جغرافیا مشغول به کار شدم و چون زمینه تخصصی اینجانب نیز ژئومرفولوژی بود، بنابراین ارتباط علمی من با ایشان بیش از سایر همکاران بود. در سال ۱۳۴۵ یعنی قبل از ورود اینجانب به دانشگاه، بر اساس یک برنامه‌ریزی قبلی قرار بود که مطالعات جغرافیایی وسیعی در یکی از ناشناخته‌ترین بیابان‌های ایران «دشت لوت» بعمل آید. در

این کمیته علمی تعدادی از اساتید جغرافیای فرانسه و اساتید دانشگاه تهران شرکت داشتند. چون مسئولیت علمی اساتید فرانسوی به عهده آقای «ژان ډرش» استاد راهنمای اینجانب در فرانسه بود، لذا هر چند هنوز به صورت رسمی به دانشگاه تهران انتقال نیافته بودم، ولی براساس پیشنهاد ایشان، به عنوان عضوی از اساتید ایرانی در کمیته تحقیق پذیرفته شدم. لذا ارتباط اینجانب با مرحوم دکتر احمد مستوفی مجدداً برقرار شد و همین مسئله در انتخاب اینجانب به عنوان عضو هیات علمی گروه جغرافیا نیز نقش داشت.

مرحوم دکتر مستوفی در آن زمان ریاست مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران را بعهده داشتند و به همین جهت مسئولیت و سرپرستی هیات‌های ایرانی و خارجی را نیز عهده‌دار شدند. برنامه ریزیهای لازم شامل: تدارکات ضروری و نیازهای هیات علمی و سایر همراهان، متناسب با شرایط بسیار نامساعد دشت لوت و قلمرو وسیع کارهای تحقیقاتی، زیر نظر و با مدیریت توانای ایشان به نحو احسن انجام شد. تلاشهای پژوهشی در دشت لوت با شرکت کمیته‌های علمی ایرانی و خارجی مدت پنج سال ادامه داشت و هر سال حداقل یک ماه در بدترین شرایط محیط طبیعی به نحو احسن برگزار می‌شد و نتایج آن، سالیانه از طریق سمینارها و کنفرانس‌های متعدد در دانشگاه تهران عرضه می‌گردید.

در شرایطی که بسیاری از اساتید دانشگاهها تمام تلاش خود را برای نزدیک شدن به مراکز قدرت بکار گرفته و در پذیرش پست‌های دانشگاهی و کشوری گوی سبقت از یکدیگر می‌ربودند، مرحوم دکتر احمد مستوفی تمام تلاش خود را برای اعتلای دانش جغرافیا و شناسائی ویژگیهای جغرافیائی کشور مبذول داشته و جز مسئولیت مؤسسه جغرافیا و تدریس، سرگرمی دیگری انتخاب نکرده بود. اهمیت این مسئله هنگامی قابل توجه است که از روابط وسیع علمی و اداری و اجتماعی ایشان با مسئولین اصلی مملکت آگاه باشیم. مشارالیه از این ارتباطات جز برای توسعه و تجهیز مؤسسه و گروه جغرافیا و

اعتلای دانش و شناسائی جغرافیای ایران استفاده ننموده است.^(۱) به دلیل حضور تقریباً دائمی در مؤسسه جغرافیا، اینجانب گواهی می‌دهم که این ارتباطات حتی پس از انقلاب اسلامی ایران برای وی در سطح وسیعی امکان‌پذیر بود، ولی با وجود دعوت‌های مکرر، هیچگونه سوء استفاده‌ای از آن برای کسب قدرت و حفظ منافع شخصی بعمل نیاورد. در جریان پژوهش‌های دشت لوت و ضمن مطالعه منابع قلمروهای بیابانی ایران به مقالاتی برخوردیم که قبلاً از طریق مرکز تحقیقات مناطق خشک منتشر شده بود. این مقالات که بیشتر مسائل بیابانی مسیله و دشت لوت را شامل می‌شد؛ نتیجه پژوهش گروه‌های تحقیقاتی بود که زیر نظر مرحوم دکتر احمد مستوفی و با مشارکت مستقیم خود ایشان به عنوان رئیس مرکز تحقیقات مناطق خشک ایران انجام شده بود.^(۲)

بنابراین در شرایطی که حتی اساتید دانشگاه‌های ایران رغبتی به کارهای پژوهشی نداشته و اصولاً محیط دانشگاهها مناسب برای کارهای پژوهشی نبود، مرحوم دکتر احمد مستوفی اولین جغرافیدان ایرانی بود که به عشق تحقیقات، مشکلات سخت محیط‌های بیابانی را بر کسب مقام‌های اداری ترجیح داده و فرهنگ پژوهش جغرافیای ایران را ترویج نمود. وی متأسفانه بر اثر اقامت‌های مکرر نسبتاً طولانی در بیابان‌های ایران دچار مشکلات جسمی شد که شاید یکی از علل اصلی فوت ایشان بوده است. دکتر مستوفی اولین جغرافیدان ایرانی است که با تدارک کاروان‌های سنتی و به وسیله شتر، دو بار از ریگ لوت گذشته است.

تمام امکانات و تجهیزات اصلی مؤسسه جغرافیا زیر نظر ایشان تهیه و تکمیل شده که همچنان در حال حاضر نیز مورد استفاده قرار دارد و متأسفانه آسیب‌های شدیدی نیز به آن وارد آمده است. با استفاده از ارتباط با امرای ارتش، به ویژه در سازمان جغرافیائی کشور، مؤسسه جغرافیا اولین مرکز پژوهش دانشگاهی در ایران بود که پوشش کامل

۱- استفاده از هلی‌کوپترهای هوانیروز و تسهیل پروژه‌های تحقیقاتی دشت لوت و تکمیل پوشش عکس‌های هوایی و نقشه‌های توپوگرافی ایران با توجه به اینکه سازمان جغرافیای ارتش در آن زمان اجازه استفاده از این منابع را به سایر سازمانها نمی‌داد.

۲- مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران چهره تحول یافته همان مرکز تحقیقات مناطق خشک بوده است.

عکس‌های هوایی ۱/۵۵۰۰۰ ایران را در اختیار داشت. این عکسها در کارهای پژوهشی جزء نیازهای اصلی بشمار می‌رفت و از بایگانی خاص و منظمی برخوردار بود و همواره در حفاظت از آن، تلاش فراوانی بعمل می‌آورد.^(۱)

علاوه بر مدیریت و شرکت فعال در پژوهش‌های جغرافیایی دشت لوت، در تدارک برنامه‌های تحقیقاتی مهم دیگری که جنبه ملی داشت، شرکت می‌جست و با دعوت از اساتید ایرانی و خارجی تلاش فراوانی در به انجام رسانیدن فعالیت‌های پژوهشی از خود بروز می‌داد. از مهمترین این تلاش‌ها، تهیه اطلس تاریخی ایران با مشارکت گروه تاریخ و تهیه اطلس اقلیمی ایران با مساعدت و همکاری اساتید کار توگرافی و اقلیم‌شناسی بوده است.

ایشان در تهیه فیلم‌های علمی و عکس و اسلاید از مناظر بیابانی ایران سعی وافری داشت که نتیجه تلاش هایش به عنوان اسنادی ارزشمند، در مؤسسه جغرافیا بایگانی شده است.

بر اساس شرح وظائف سازمانی مؤسسه جغرافیا، انجام پژوهش در سراسر قلمرو جغرافیایی کشور ایران امکان‌پذیر بود. بر همین اساس هر محققی با پیشنهاد هر نوع پژوهش جغرافیایی، با حمایت مرحوم دکتر احمد مستوفی روبرو می‌شد. از جمله، چون کار تدریس جغرافیای طبیعی و ژئومرفولوژی در گروه جغرافیا به اینجانب واگذار شده بود و در این زمینه‌ها اطلاعات و منابع اندکی در مورد ایران وجود داشت، شخصاً کار شناسایی ویژگی‌های محیط طبیعی ایران را پیشنهاد نمودم و با موافقت و حمایت دکتر احمد مستوفی روبرو شدم. با فراهم نمودن کلیه امکانات و معرفی به سازمانهای مسئول در استانهای مختلف و تشویق‌های مکرر ایشان، همه ساله پس از پایان کلاسهای درس، ۲ الی ۳ ماه به نواحی مختلف ایران سفر می‌نمودم و نتایج این سفرهای پژوهشی را به صورت مقالات و سخنرانی در کلاسهای درس ارائه می‌دادم. این مسافرتها از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ یعنی آغاز انقلاب اسلامی ادامه داشت.

۱- بعد از انقلاب و جابجائی مسئولیت‌ها، تعدادی از این عکسها بر اثر بی توجهی دانشجویان مفقود شده است.

موفقیت نسبی در تلاش‌های علمی خود را مدیون شخص ایشان هستم و بدین وسیله مجدداً از حمایت‌های بی دریغ آن استاد فقید سپاسگزاری می‌کنم. به همین گونه، گسترش اطلاعات علمی تعداد زیادی از اساتید دانشگاه‌ها به ویژه دانشگاه تهران را در مورد ایران، مدیون سعه صدر علمی و حمایت‌های بی دریغ ایشان می‌دانم.

از نظر مدیریت اداری نیز ویژگی‌های منحصر به فرد داشت. انسانی مسئول و جدی بود و در کمال قدرت نظم امور اداری مؤسسه و غالباً گروه را در کنترل داشت. در تمام موارد ضابطه‌ها را بر روابط دوستی و خصوصی ترجیح داده و از این جهت حتی مسئولین را نیز مورد مؤاخذه قرار می‌داد. در همان حال با جدیت و قدرت از حقوق اداری و آموزشی همکاران خود دفاع می‌نمود. هیچگاه انتظار تشکر و قدردانی نداشت و به همین دلیل در برابر چالپوسی‌ها و خوش خدمتی‌ها عکس العمل نشان می‌داد.

از نظر آموزشی نیز خصوصیات مربوط به خود را داشت. استادی منظم، متین، وقت شناس و در زمینه تخصص خود عالم و توانا بود. در دوره دانشجویی اینجانب، حتی یک جلسه غیبت نداشت. به موقع در کلاسها حضور می‌یافت و به جز مطالب مربوط به درس، هیچگاه به مسائل حاشیه‌ای نمی‌پرداخت و همانطور به موقع کلاس را ترک می‌کرد. با آنکه درسهای متعددی داشت، ولی ارتباط بیان مطالب در درسهای مختلف را در ساعات متفاوت دروس کاملاً رعایت می‌نمود. دروس را به صورت سخنرانیهای مکرر بیان می‌نمود و دانشجویان نکات مهم و کلیدی آنرا یادداشت می‌کردند. غالباً بسته به موضوع درسی، مخصوصاً درس ژئومرفولوژی، دانشجویان را در چند نوبت روی زمین همراهی می‌نمود.

ابزار و وسائل مهم آزمایشگاهی جغرافیای انسانی، طبیعی و کارتوگرافی از یادگارهای ارزشمند اوست که همراه با امکانات مؤسسه جغرافیا نیاز دانشجویان را برطرف می‌نمود. در حفظ و نگهداری ابزار و وسائل آزمایشگاهی دقت و وسواس خاصی داشت و بر شیوه استفاده از آنها نظارت می‌نمود. پوشش کامل عکسهای هوایی و نقشه‌های کارتوگرافی ایران در مقیاس‌های مختلف، بخشی از وسائل آزمایشگاهی را

تشکیل می‌داد که در آن زمان، مشابه آن در هیچ دانشگاه دیگری در ایران وجود نداشت.

از آنجا که کمتر انسانی بدون نقص است، اشاره به نکاتی که شاید سبب انزوا و احتمالاً فراموش شدن مرحوم دکتر احمد مستوفی شده است، لازم می‌باشد. آن مرحوم بنا به دلایل مربوط به خصوصیات خانوادگی که کم و بیش تا اواخر عمر دانشگاهی وی نیز تاثیرگذار بود، اندکی پرخاشگر و در مواردی تند خود و عصبی می‌نمود. در پاره‌ای از موارد سعی در تلقین نظریات علمی خود داشت و بر صحت آن اصرار می‌ورزید. از لحاظ مالی بی‌نیاز بود و یکی از منزّه‌ترین افراد جامعه علمی ایران بشمار می‌آمد. بی‌نیازی وی شاید در نوع مواجهه او با اطرافیانش بی‌تأثیر نبود.

پس از بازنشستگی و قطع ارتباط اداری با اطرافیان خود، بتدریج خصلت تندخویی را کنار نهاد و آرامش و خونسردی بر وی مستولی شد. او ایام فراغت خود را کماکان به مطالعه می‌پرداخت.

هر چند تخصص ایشان در جغرافیای طبیعی و بویژه ژئومرفولوژی بود، ولی به استثنای کتاب جغرافیای عمومی، نوشته‌های زیادی در این زمینه نداشت و شاید این مسئله یکی از نقائص یادگارهای آن مرحوم باشد. خیلی پیش از آنچه تحریر نموده، می‌دانست و یادداشتهای فراوانی از مسافرت‌های علمی خود در اختیار داشت که متأسفانه موفق به انتشار آنها نشد. شاید افزایش آگاهی‌ها و وسواس علمی و کهنه شدن اطلاعات، سبب این امر شده باشد؛ زیرا از توصیه‌های مکرر دکتر مستوفی به اینجانب عدم پرداختن به کار جدید تحقیقی پیش از ختم نهایی کار قبلی بود.

در سالهای آخر تلاش علمی خود به دلیل مسافرت‌های متعدد و آشنائی با محیط طبیعی کشور، علاقه شدیدی به باستان‌شناسی ایران پیدا کرد و در این زمینه، مسیر جابجائی جهانگردان و محققین و دانشمندان ایرانی و خارجی توجه وی را به خود جلب نمود؛ چنانچه قلمرو بیابان‌های ایران را از این نقطه نظر مورد تحقیق قرار داد و نوشته‌های ارزشمندی از خود به جای گذارد.

پس از بازنشستگی ارتباط ایشان با دانشگاه قطع شد و جز در جلسات محدودی که در منزل خود با حضور همکاران و شاگردان قدیمی شرکت داشت، مؤانستی با جغرافیای ایران و پژوهش‌های مربوط به آن پیدا نکرد. تعداد این جلسات نیز به مرور زمان کاهش یافت و بتدریج بر اثر کهولت سن و بروز ناراحتی‌های جسمی و الزام به معالجه و بستری شدن در خارج از کشور، این ارتباط محدود، و حتی قطع شد.

مرحوم دکتر احمد مستوفی بر اثر بیماری کبدی که به احتمال، تا حدود زیادی ناشی از اقامت‌های طولانی در قلمروهای بیابانی ایران بود، در تاریخ ۲۶ بهمن سال ۱۳۷۲ به دیار ابدی شتافت و جامعه جغرافیدانان ایران را از وجود یکی از فعال‌ترین محققین و برجسته‌ترین اساتید جغرافیای خود محروم نمود - روانش شاد و یادش جاوید باد -